

هفت قانون معنوی موفقیت:

کاربرد این قوانین در زندگی روزانه تان دارای یک توالی طبیعی است و یادآوری آنها می تواند کمکتان کند . قانون توانایی مطلق از طریق سکوت و مراقبه و عدم داوری و ارتباط با طبیعت تجربه می شود اما از طریق قانون بخشایش به حرکت در می آید. این اصل می گوید همان را بدهید که می جوئید . به این شیوه می توانید قانون توانایی مطلق را فعال کنید . اگر فراوانی می جوئید فراوانی بدهید ، اگر پول می جوئید ، پول بدهید . از طریق آن اعمالتان که به قانون بخشایش ارتباط می یابد قانون کارما را فعال می کنید ، کارما نیکوی ایجاد می کنید و کارمای نیکوی همه امور زندگیتان را آسان می کند . خواهید دید که نیاز ندارید برای بر آورده ساختن آرزوهایتان تلاش و تکاپو کنید ، که خود به فهم قانون کمترین تلاش خواهد انجامید و خود به خود فهم قانون قصد و آرزو را آغاز خواهید کرد . برآورده ساختن آرزوهایتان با سهولت بی تکاپو ، تمرین قانون عدم دلبستگی برایتان آسان خواهد نمود و سرانجام هنگامی که فهم این قانون را آغاز کردید تمرکز بر غایت راستین حیات خود را آغاز خواهید کرد که به قانون دارما خواهد انجامید . با کاربرد این قانون با بیان و عیان ساختن استعدادهای بی همتا و برآورده ساختن نیازهای هموعانتان آفرینش هر آنچه را که خواهانید و در هر زمان که خواهانید آغاز خواهید کرد . سبکبال و خوشحال خواهید شد و زندگیتان تجلی عشق نامحدود خواهد گشت.

• قانون توانایی مطلق:

منشاء همه آفرینش آگاهی مطلق است . توانایی مطلق جویای آن است که از نامتجلی به تجلی در آید . و هر گاه در یابیم که ضمیر راستین ما یکی از این تواناییهای مطلق است ، به قدرتی می پیوندیم که همه چیز این عالم را متجلی می سازد . نخستین قانون موفقیت ، قانون توانایی مطلق است . این قانون مبتنی بر این واقعیت است که ما در جوهر آگاهی مطلقیم . آگاهی مطلق ، توانایی مطلق و حیطه تمامی امکانات و خلاقیت نامحدود است . سایر ویژگیهای آگاهی عبارتند از : دانش مطلق ، سکوت بی انتها ، تعادل کامل ، شکست ناپذیری ، سادگی و بهجت و این طبیعت بنیادی ماست . خود شناسی یعنی توانایی برآورده ساختن هر رویایی که دارید.

در رجوع به موضوعات ، همواره تحت تاثیر موضوعاتی بیرون از ضمیر قرار می گیریم که شامل اوضاع و شرایط و موقعیتها و افراد و اشیاء می شود . در رجوع به موضوعات ، همواره جویای تایید دیگرانیم . اندیشه ها و رفتارمان همواره منتظر پاسخی است از این رو ، مبتنی بر ترس است . همچنین به هنگام رجوع به موضوعات ، شدیداً احساس می کنیم که نیاز به کنترل امور و قدرت بیرونی داریم ، نیاز به تایید و نیاز به در اختیار گرفتن امور و نیاز به قدرت بیرونی ، نیازهایی مبتنی بر ترس اند . این نوع قدرت ، قدرت توانایی مطلق یا قدرت ضمیر یا قدرت راستین نیست.

نقطه رجوع درونتان من ((شماست)) . من ((تصویری است که از خود دارید - نقاب اجتماعی - نقشی است که بازی می کنید نقاب اجتماعی شما از راه کسب تایید امرار معاش می کند .

می خواهد اختیار امور را به دست بگیرد ، چون در ترس زندگی می کند ، از راه قدرت بقا می یابد. ضمیر راستین شما - که روح و جانتان است - کاملاً از آن چیزها رهاست . در برابر انتقاد ایمن و در برابر هر توان آزمایی ، بی باک است و خود را کمتر از هیچ کس احساس نمی کند زیرا در می یابد که همه همان ضمیر و همان روح و جان اند در جامه هایی متفاوت به هنگام رجوع به خویشتن ، هستی راستین خود را تجربه می کنید که از هیچ مشکلی نمی هراسد ، به همه مردم حرمت می نهد ، و خود را کمتر از هیچ کس

احساس نمی کند و این قدرت راستین ضمیر است و در رجوع به موضوعات ، قدرت کاذب است . اگر صاحب عنوانی ویژه باشید یا رئیس شرکتی یا ثروتمند باشید تمام قدرت به آن شغل و پول بسته است .

چگونه می توانیم قانون توانایی مطلق - حیطة تمامی امکانات را در زندگیمان به کار بندیم ؟

یکی از راههای دستیابی به این حیطة ، تمرین روزانه سکوت و مراقبه و عدم داوری است .

تمرین سکوت یعنی اینکه با خود عهد ببندید مدت زمان معینی فقط باشید . تجربه سکوت یعنی اینکه در فواصل معین از گفت و گو دست بکشید . همچنین یعنی اینکه متناوباً از تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو و خواندن کتاب خود داری کنید . اگر هیچ گاه به خودمان فرصت تجربه سکوت را ندهید ، این امر در گفتگوی درونتان تلاطم ایجاد می کند .

وقتی سکوت را تجربه می کنید چه پیش می آید ؟

نخست گفتگوی درونتان آشفته تر می شود ، نیاز شدیدی احساس می کنید که لب به سخن بگشایید . ناگهان دچار احساس اضطراب می شوید . پس از گذر این مرحله گفتگوی درون (افکار و اندیشه ها) اندک اندک آرام می شود و چندی نمی گذرد که سکوت ژرف می شود . زیرا ذهن پس از مدتی تسلیم می شود . وقتی درون آرام گرفت تجربه سکون حیطة توانایی مطلق آغاز می کنید .

مراقبه:

مطلوب این است که نیم ساعت صبح و نیم ساعت غروب مراقبه کنید در مراقبه خواهید آموخت که حیطة سکوت محض و آگاهی مطلق را تجربه کنید . حیطة همبستگی بی انتها و حیطة قدرت نظم دهنده نامحدود و بستر غایی آفرینش است آنجا که همه چیز به طرزی جدایی ناپذیر به هر چیز دیگر متصل است .

نخست سکون را تجربه کنید . سکون نخستین شرط لازم متجلی ساختن آرزوهایتان است .

زیرا اتصال شما به حیطة توانایی مطلق در سکون نهفته است .

سکون چیست ؟

مجسم کنید که سنگ ریزه را به دریاچه یی ساکن می افکنید و حرکت امواج آب را تماشا می کنید . آنگاه پس از چندی که امواج فرو می نشینند سنگ ریزه دیگری را به دریاچه می اندازید . این دقیقاً همان کاری

است که وقتی به حیطة سکوت مطلق وارد می شوید و به قصدتان می اندیشید انجام می دهید . در این سکوت حتی کم رنگترین قصد در سراسر حیطة آگاهی کیهانی که هر چیز را به سایر چیزها می پیوندد موج وار حرکت می کند .

خاموش باش و بدان که من خدا هستم

عدم داوری:

یکی دیگر از راههای دستیابی به حیطة توانایی مطلق ، تمرین عدم داوری است.

داوری ارزیابی مدام امور به صورت درست و نادرست یا نیک و بد است. وقتی مدام سر گرم ارزیابی و طبقه بندی و بر چسب زدن و تجربه و تحلیل باشید ، در گفتگوی درونتان تلاطم بسیاری ایجاد می کنید . این تلاطم موجب بند آمدن جریان نیرو میان شما و حیطة توانایی مطلق می شود. عملاً فاصله میان اندیشه ها را فشرده و کوتاه می کنید.

امروز درباره هیچ یک از آن چیزها که پیش می آید داوری نمی کنم.

عدم داوری در ذهنتان سکوت ایجاد می کند . شایسته است که روزتان را با این جمله آغاز کنید و سعی کنید که حتی به مدت دو ساعت این عمل را انجام دهید.

باید بیاموزید که با درونیتترین جوهر هستی خود تماس حاصل کنید .این جوهر راستین فراسوی ((من)) است . بی باکی و آزاد و در برابر انتقاد، ایمن است . از هیچ مشکلی نمی هراسد . از هیچ کس کمتر نیست ، از هیچ کس برتر نیست و سر شار از اعجاز و رموز و افسون است.

فرانتس کافکا : لازم نیست گوش کنید ، فقط منتظر شوید ، حتی لازم نیست منتظر شوید ، فقط بیاموزید آرام و ساکن و تنها باشید. جهان آزادانه خود را به شما پیشکش خواهد کرد تا نقاب از چهره اش بردارید . انتخاب دیگری ندارد ، مسرور به پای شما در خواهد غلتید.

آینده حرکت و سکون ، این توانایی را به شما می بخشد که خلاقیت خود را در همه جوانب – هر آنچه که قدرت توجهتان شما را به آنسو می کشاند – به فوران در آورید . هر گاه به میان حرکت و فعالیت می روید ، سکون خود را در درونتان به همراه ببرید آ «گاه حرکت آشفته پیرامونتان هیچگاه بر دستیابی شما به سر چشمه خلاقیت – حیطة توانایی مطلق – سایه نخواهد افکند.

کاربرد قانون توانایی مطلق

عهد میبندم که به دنبال کردن گامهای زیر قانون توانایی مطلق را به عمل در آورم:

- با رعایت سکوت روزانه و بودن محض با حیطة توانایی مطلق در تماس خواهم بود . همچنین دست کم روزی دوبار به تنهایی ، تقریباً به مدت نیم ساعت صبح و نیم ساعت غروب به مراقبه سکوت خواهم نشست .
- هر روز مدتی را در ارتباط با طبیعت و نظاره خاموش هوشمندی درون هر موجودی زنده خواهم گذراند . خاموش به تماشای غروب آفتاب یا گوش دادن به صدای اقیانوس یا جویبار یا به بوییدن عطر گلی خواهم نشست - در وجد سکوت و با ارتباط با طبیعت ، از پس حیات اعصار- حیطة توانایی مطلق و خلاقیت نامحدود - محظوظ خواهم شد.
- عدم داوری را تمرین خواهم کرد ((روزم را با این جمله آغاز خواهم کرد : امروز درباره هیچ یک از این چیزها که پیش می آید داوری نخواهم کرد)) و در سراسر روز به خاطر خود خواهم آورد که داوری نکنم.

• قانون بخشایش:

کائنات از طریق مبادله پویا عمل می کند.

دادوستد جنبه های متفاوت جریان نیرو در کائناتند و در شور و شوق بخشیدن آنچه که می جوییم فراوانی کائنات را در زندگیمان جریان می افکنیم .

دومین قانون معنوی موفقیت قانون بخشایش است . این قانون را می توان قانون داد و ستد نیز خواند . زیرا کائنات از طریق مبادله پویا عمل می کند . هیچ چیز ایستا نیست . جسمتان در حال مبادله پویا و مدام با جسم کائنات است .

ذهنتان به طرزی پویا با ذهن کیهان ارتباط متقابل دارد .

جریان حیات هیچ نیست مگر ارتباط متقابل و هماهنگ همه عناصر و نیروهایی که به صورت قانون بخشایش عمل می کند . بند آوردن جریان نیرو مانند بند آوردن جریان خون است . در هر بذر وعده هزاران جنگل نهفته است . اما بذر را نباید احتکار کرد . هر چه بیشتر ببخشید ، بیشتر دریافت می کنید زیرا فراوانی کائنات را در زندگیتان در جریان نگاه می دارید . در واقع هر آنچه که در زندگی ارزش داشته باشد فقط زمانی فزونی می یابد که بخشیده شود . آنچه در اثر بخشیدن افزایش نیابد نه ارزشبخشیدن دارد و نه ارزش دریافت کردن .

اگر با اکراه بخشایید ، نیرویی در پس آن بخشایش وجود نخواهد داشت . مهمترین چیز نیتی است که در پس داد و ستدتان نهفته است . نیت همواره باید ایجاد شادمانی برای بخشاینده و ستاننده باشد زیرا شادمانی ، حمایتگر و حافظ حیات است و از این رو ، موجب افزایش می شود .

تمرین قانون بخشایش در واقع بسیار ساده است . اگر شادی می خواهید به دیگران شادی بدهید ، اگر محبت ، بیاموزید محبت کنید و ... اگر وفور مادی می خواهید به دیگران کمک کنید تا از نظر مادی غنی شوند . در واقع آسانترین راه برای کسب آنچه می خواهید این است که به دیگران کمک کنید تا به خواسته خود برسند . بهترین راه برای اجرای قانون بخشیدن آغاز کل فراینده جریان این است که تصمیم بگیرید هرگاه با کسیتماس می یابید چیزی به آنها بدهید . لزومی ندارد که هدیه تان صورت مادی داشته باشد می تواند شاخه گلی ، تحسینی یا دعایی باشد در واقع قدرتمندترین شکل بخشایش غیر مادی است . موهبتهای ابراز

علاقه و توجه و عاطفه و تحسین و محبت از گرانقدرترین هدایایی اند که می توانید بدهید و بهایی نیز بابت آنها نمی پردازید.

مادامی که می بخشید ف دریافت می کنید . هر چه بیشتر ببخید بیشتر به اثرات اعجاز آمیز این قانون اعتماد می کنید و هر چه بیشتر دریافت کنید ، توانایی شما نیز برای بخشیدن افزایش می یابد.

طبیعت راستین ما وفور و فراوانی است .

کاربرد قانون بخشایش:

عهد میبندم که به دنبال کردن گامهای زیر ، قانون بخشایش را به عمل در آورم.

- به هر جا که می روم و با هر کس که روبرو می شوم ، هدیه یی به او بدهم . هدیه می تواند تحسین یا شاخه گل یا دعایی باشد . امروز با هر کس که روبرو شوم ، هدیه یی به او خواهم داد و به این طریق فرایند به جریان انداختن شادمانی و ثروت و فراوانی را در زندگی خودم و دیگران آغاز خواهم کرد.

- امروز با سپاس همه هدایایی را که زندگی به من پیشکش می کند دریافت خواهم کرد . هدایایطبیعت را دریافت خواهم کرد ، نور آفتاب و آواز پرندگان و بارانهای بهاری یا نخستین بارش برف زمستان را . در برابر دریافت از دیگران نیز گشوده خواهم بود ، خواه هدیه یی مادی و پول یا تحسین یا یک دعا .

- عهد می بندم که با دادوستد گرانقدر ترین هدایای زندگی – موهبتهای توجه و محبت و تحسین و عشق – ثروت را در زندگیم دارم . هر بار که کسی را ببینم خاموش برای او خوشبختی و شادی و خوشدلی آرزو خواهم کرد .

• قانون کارما (علت و معلول)

هر عملی نیرویی را تولید می کند که همان شکل به ما باز می گردد .

هر چه بکاریم همان را درو می کنیم و هنگامی که اعمالی را انتخاب کنیم که برای دیگران شادمانی و موفقیت می آورد ، ثمره ((کارما ((ی ما شادمانی و موفقیت خواهد بود .

سومین قانون معنوی موفقیت ، قانون کار ماست ((کارما ((هم عمل است و هم نتیجه عمل هم علت است و هم معلول ، زیرا هر عملی نیرویی را تولید می کند که به همان شکل به ما باز می گردد .بنابر این ، مفهوم ضمنی ((کارما ((انتخاب آگاهانه است .من و شما اساساً انتخاب کنندگانی نامحدودیم .بعضی از این انتخابها آگاهانه اند و مابقی به طور ناخود آگاه صورت گرفته اند .اما بهترین راه برای فهمیدن و به حداکثر رساندن استفاده از قانون کارما ، هوشیاری آگاهانه از انتخاب های هر لحظه است خواه به مذاقتانخوش بیاید و خواه نه ، هر آنچه در این لحظه پیش می آید نتیجه انتخابهای است که در گذشته به آن دست زدهاید .بیشتر ما در نتیجه شرطی شدن نسبت به محرکهای محیط خود ، پاسخهایی مکرر و قابل پیش بینی داریم .بهمین دلیل فراموش می کنیم که اینها را خودمان در هر لحظه از هستی خود انتخاب می کنیم .تنها به طور ناخودآگاه به این انتخابها دست می زنیم .اگر لحظه ایی به عقب برگردید و به انتخابی که می کنید نگاه کنید این کار باعث می شود که کل فرایند انتخاب از حیظه ناهشیار به حیظه هشیار بیاورید .این روش انتخاب آگاهانه بسیار قدرت بخش است .

چگونه انتخاب کنیم ؟

به هنگام هر انتخابی می توانید دو سوال را از خود بپرسید :

عواقب این انتخاب چیست ؟

بی درنگ در ژرفای دل خود از عواقب آن آگاه خواهید شد .

آیا این انتخاب برای خودم و اطرافیانم شادمانی خواهد آورد ؟

اگر پاسخ مثبت بود آنگاه به آن انتخاب دست بزنید .اگر پاسخ منفی بود و آن انتخاب برای خودتان یا اطرافیانتان تنش و فشار می آورد به آن انتخاب دست نزنید .به همین سادگی .

مکانیسم کائنات :

کائنات مکانیسم در خور توجهی دارد که می تواند کمکتان کند تا به انتخابهای خود انگیزه درست دست بزنید . این مکانیسم به حسهای جسمانی مربوط می شود . جسم دو گونه حس را تجربه می کند : یکی حس راحتی و دیگری حس ناراحتی . و وقتی آگاهانه انتخاب می کنید و از جسمتان بپرسید : اگر به این انتخاب دست بزنم چه پیش می آید ؟ اگر جسمتان پیام آسودگی فرستاد آ «انتخاب درست است . و اگر پیام نا آسودگی بفرستد آن انتخاب مناسب نیست . این پیام ها در بعضی از افراد در شبکه خورشیدی (بالای ناف (احساس می شود و در اکثر افراد در ناحیه قلب پیش می آید . آگاهانه توجهتان را به قلب خود معطوف کنید و از آن بپرسید که چه کنید . آنگاه در انتظار پاسخ هر چند کم رنگ بمانید . این پاسخ وجود دارد و در جسم شماست فقط دلتان پاسخ درست را می داند . بیشتر مردم فکر می کنند که قلب ، نرم و سست و احساساتی است . اما چنین نیست . دل شهودی و کل نگر و آگاه از قراین و نسبتهاست . فاقد نگرش برنده یا بازنده است . می توانید هر گاه بخواهید از قانون کارما برای ایجاد ثروت و فراوانی و به جریان افکندن همه موهبتهای نیکو به سوی خود جویند . ام نخست باید هشیارانه دست به انتخابهای خودزده و آینده را دید . اگر به طور منظم به این امر بپردازید و هر چه انتخابهای خود را بیشتر به سطح هشیاری آگاهیتان بیاورید ، بیشتر به انتخابهای دست خواهید زد که به طور خد انگیزه خم برای خودتان و هم برای اطرافیانتان درست هستند .

کارمای گذشته :

درمورد کارمای گذشته سه کار می توان انجام داد :

- پرداخت دیون کارمایی گذشته تان : گاه پرداخت آ «دیون با رنج بسیار است در کائنات نظام محاسبه بی بی نقص و کامل وجود دارد و همه چیز مبادله مدام ((پیش و پس ((نیرو ست .
- تحول یا تبدیل کارمای خود به تجربه بی خوشایندتر : این فرایندی بسیار جالب توجه است . می توانید از خود بپرسید : از این تجربه چه چیز را می توانم بیاموزم ؟ چه امری در حال وقوع است و کائنات چه پیامی برابم دارد ؟ چگونه می توانم این تجربه را به همنوعانم انتقال دهم ؟ این تبدیل کارمای خود به تجربه بی مثبت است . در واقع از شر کارمای خود نرهیده اید اما می توانید از این حادثه کارمایی تازه و مثبتی به وجود آورید .

- فرا رفتن از آن :فرا رفتن از کارمایعنی جدا شدن از آ»، راه فرارفتن از کارما این است که به تجربه فاصله یا تجربه ضمیر یا جان خود ادامه بدهید .مانند شستشوی جامه یی چرک در رودخانه است .هر بار که آ»را می شوئید و هر باراندکی تمیزتر می شود .این امر از طریق تمرین مراقبه پیش می آید .

همه اعمال ، حوادثی کارمایی اند .ن.شیدن فنجانی قهوه نیز حادثه یی کارمایی است .این عمل خاطره ایجاد می کند و خاطره این توانایی یا قدرت بالقوه را داراست که آرزو تولید کند .نرم افزار عملیاتی روحتان ، کارما و خاطره و آرزوست .روحتان توده یی از آگاهی است که بذزهای کارما و خاطره و آرزو را دارد .وقتی انتخاب کننده یی آگاه شدید ، دست به اعمال بزئید که موجب تکامل خودتان و اطرافیانتان می شود و تنها کاری که باید بکنید همین است .

مادامی که کارما هم برای ضمیرتان و هم برای هر کس که تحت تاثیر ضمیرتان قرار می گیرد تکاملی باشد ، ثمره کارما شادمانی و موفقیت خواهد بود .

کاربرد قانون کارما یا علت و معلول

عهد می بندم که به دنبال کردن گامهای زیر ، قانون کارما را به عمل در آورم :

- امروز انتخاب هر لحظه ام را نظاره خواهم کرد .و صرفاً با نظاره این انتخابها ، آنها را به آگاهی هشیار خود خواهم آورد .می دانم که بهترین راه آمادگی برای هر لحظه در آینده این است که اکنون کاملاً آگاه باشم .

- هر گاه به انتخابی دست می زنم این دو سؤال را از خود می پرسم :عواقب این انتخاب چه خواهد بود ؟ و آیا این انتخاب برای خودم و کسانی که تحت تاثیر آن قرار می گیرند توفیق و شادمانی خواهد آورد ؟

- از ژرفای دلم هدایت خواهم طلبید تا احساس آسودگی یا نا آسودگی برایم پیامبرستد .اگر این انتخاب احساس آسودگی ایجاد کند ، تسلیم آن خواهم شد .اگر این انتخاب احساس نا آسودگی ایجاد کند ، مکث خواهم کرد و با بصیرت درونم عواقب عملم را خواهم نگرست .این هدایت این توانایی را به من خواهد بخشید تا به طور خود انگیخته برای خودم و همه اطرافیانم به انتخابهای درست دست بزئم .

• قانون کمترین تلاش

هوشمندی طبیعت با کمترین تلاش کار می کند با سبکدلی و هماهنگی و عشق .

هرگاه نیروی هماهنگی و شادی و عشق را در اختیار گیریم ، با سهولت بی تکاپو ، موفقیت و خوش اقبالی می آفرینیم .

چهارمین قانون معنوی موفقیت ، قانون کمترین تلاش است . این قانون مبتنی بر این است که هوشمندی طبیعت با سهولت بی تکاپو ، و سبکدلی پذیرا عمل می کند . این اصل کمترین عمل و عدم مقاومت است . از این رو این اصل هماهنگی و عشق است هر گاه این درس را از طبیعت بیاموزیم ، به آسانی آرزوهایمان را بر آورده می سازیم . اگر کار طبیعت را نظاره کنید ، خواهید دید که کمترین تلاش را به کار می برد . علف نمی کوشد کند ، فقط رشد می کند . ماهی نمی کوشد شنا کند ، فقط شنا می کند . پرنده ها نمی کوشند پرواز کنند ، فقط پرواز می کنند . این طبیعت فطری آنهاست . این طبیعت نوزادان است که در سرور باشند و این طبیعت ستارگان است که بدرخشند و نورافشانی کنند . و این طبیعت انسان است که رویاهایش را به آسانی و بی تلاش ، به صورت اجسام مجلی سازد . این بدان معناست که فقط آرمانی کم رنگ وجود دارد و آنگاه تجلی آرمان بدون تلاش صورت می گیرد و آنچه که معمولاً معجزه خوانده می شود عملاً نمایانگر قانون کمترین تلاش است .

هوشمندی طبیعت ، بی تلاش و بی اصطکاک و خود انگیخته عمل می کند . غیر خطی و شهودی و کل نگر و خوراک رساننده است . و هر گاه با طبیعت در هماهنگی باشید هرگاه در معرفت ضمیر راستین خود استقرار یابید ، می توانید از قانون کمترین تلاش سود جوید . کمترین تلاش زمانی روی می دهد که انگیزه اعمالتان عشق باشد زیرا آنچه که موجب انسجام طبیعت می شود نیروی عشق است . وقتی محض خاطر ((من)) پول یا قدرت می جوید ، به جای کامجویی از شادمانی همین لحظه ، نیرویتان را صرف دویدن از پی توهم شادمانی می کنید . وقتی پول را فقط بخاطر منافع شخصی میجوید حرکت نیرویی را که باید به سوی شما جریان یابد بند می آورید ، و در بیان هوشمندی طبیعت مداخله می کنید . اما هرگاه انگیز اعمالتان عشق باشد ، نیروی به هدر نمی رود و چند برابر و گردآوری می شود و نیروی مازادی که گرد می آوری واز آن محظوظ می شوید می توانید در راه آفرینش هر چه بخواهید -از جمله ثروت نامحدود -مصرف شود . جسمتان می تواند انرژی را تولید و ذخیره و مصرف کند . اگر بدانید چگونه به طرزی موثر انرژی را تولید و ذخیره و مصرف کنید ، آنگاه می

توانید هر اندازه ثروت که بخواهید ایجاد کنید . توجه به ((من ((بیشترین انرژی را مصرف می کند . هر گاه قدرت یا تسلط بر سایر افراد یا تایید و دیگران را می جوئید ، به شیوه بی بی فایده انرژی را به مصرف می رسانید . هر گاه آن انرژی رها شود ، می تواند در راه ایجاد چیزی که می خواهید مصرف شود .

قانون کمترین تلاش سه جزء دارد :

- پذیرش :

پذیرش صرفاً یعنی اینکه با خود عهد ببندید ((: امروز مردم و اوضاع و شرایط و موقعیتها و رویدادها را به همان صورتی که پیش می آیند خواهیم پذیرفت ((این بدان معناست که خواهیم دانست که این لحظه همان گونه است که باید باشد ، زیرا کل کائنات همان گونه است که باید باشد . هر گاه بر ضد این لحظه بستیزید ، عملاً بر ضد کل کائنات به ستیز برخاسته اید . هر گاه تصمیم گرفتید که به ستیز علیه کائنات ادامه ندهید پذیرش شما از این لحظه کامل و تمام عیار است . امور را همان گونه که هستند بپذیرید نه آن گونه که آرزو می کردید . اما می توانید آرزو کنید که امور در آینده متفاوت باشند . تمام واکنش های که به شخص یا وضعیتی نشان می دهید بدانید که بر گرفته از احساسات شماست و احساسهایتان تقصیر دیگری نیست . هر گاه این نکه را به طور کل کامل دریابید و بفهمید آماده اید که مسولیت احساس خود را به عهده بگیرید و آن را تغییر دهید .

- مسئولیت :

مسئولیت یعنی ملامت نکردن هیچ کس یا هیچ چیزی برای وضعیت خود ، از جمله خودتان وقتی این موقعیت یا این رویداد یا این مشکل را پذیرفتید ، مسئولیت یعنی توانایی پاسخی خلاق به آن وضعیت همان گونه که اکنون هست . همه مشکلات حاوی بذره های مجالند و این آگاهی به شما اجازه می دهد که این لحظه را به وضعیت یا چیزی بهتر متحول کنید . شما می توانید هر وضعیت به ظاهر ناراحت کننده و هر عذاب دهنده ای را به وضعیت زیبا و جذاب تبدیل کنید . اگر انتخاب کنید که این واقعیت را به این شیوه تعبیر و تفسیر کنید . آموزگاران بسیار و مجالهای بسیاری پیرامونتان خواهید داشت تا تکامل یابید . هر گاه با هر موردی برخورد کردید که برای شما سخت و ملال آور است به یاد آورید که ((این همان گونه است که باید باشد (در پ همه رویدادها معنایی نهفته است و این معنای نهفته به تکامل شما خدمت می کند .

- عدم تدافع :

به این معناست که آگاهیتان در عدم تدافع استقرار یافته و نیاز به مجاب یا ترغیبکردن دیگران را برای اینکه فقط نظرتان را دریابند رها کرده اید. اگر فقط نیاز به دفاع از نقطه نظرتان را رها کنید، با این رهایی، به انرژی عظیمی دست می یابید که در گذشته آنرا به هدر می دادید. وقتی در حالت تدافع هستید و نمی خواهید این لحظه را بپذیرید و مسئولیت آن را به عهد داشته باشید، زندگیتان با مقاومت مواجه می شود و هر چه این عمل بیشتر تداوم یابد مقاومت بیشتر می شود. به کل از دفاع از نقطه نظرتان دست بکشید. وقتی نقطه نظری برای دفاع نداشته باشید، اجازه نمی دهید که مشاجره یی آغاز شود. اگر از مقاومت و ستیز باز ایستید لحظه حال را تجربه خواهید کرد. گذشته تاریخ است، آینده رمز و راز است و این لحظه هدیه است.

وقتی تجربه این طرب جان را در هر آنچه که زنده است آغاز می کنید، با آن همدلی می یابید، شادمانی در درونتان متولد می شود، و فشارهای وحشتناک و سنگینی حالت تدافعی و انزجار و رنجش را فرو خواهید انداخت. و تنها آن هنگام خوشدل و سبکبال و شاد و آزاده خواهید شد. هر گاه صاحب آمیزه بی همتای پذیرش و مسئولیت و عدم تدافع باشید، با سهولتی بی تکاپو جریان زندگی را تجربه خواهید کرد. هر گاه خواسته تان از سطح شادمانی باشد نه از سطح اضطراب یا ترس در ژرفای دل خود در خواهید یافت که آن را بدست خواهید آورد فقط قصدتان را به خود اعلام کنید. با خود عهد ببندید که راه عدم مقاومت را دنبال کنید. وقتی در برابر همه نقطه نظرها گشوده بمانید و سرسختانه به یکی از آنها نچسبید رویاها و آرزوهایتان با آرزوهای طبیعت جریان خواهد یافت.

کاربرد قانون کمترین تلاش:

عهد می بندم که با دنبال کردن گامهای زیر، قانون کمترین تلاش را به عمل در خواهم آورد.

- پذیرش را تمرین خواهم کرد. امروز افراد و اوضاع و شرایط و موقعیتهای و رویدادها را همان گونه که پیش می آیند خواهم پذیرفت. خواهم دانست که این لحظه همان گونه است که باید باشد، زیرا کل کائنات همان گونه است که باید باشد. با عدم ستیز بر ضد این لحظه، بر ضد کل کائنات به ستیز بر نخواهم خاست. پذیرش کامل و تمام عیار است. امور را همان گونه که در این لحظه هستند می پذیرم، نه آن گ.نه که آرزو می کردم باشند.

- با پذیرش امور به همان گونه که هستید، مسئولیت و وضعیت خود و همه رویدادهایی را که به صورت مشکلات می بینم به عهده می گیرم. می دانم که مسئولیت یعنی ملامت نکردن هیچ کس یا هیچ چیز برای

وضعیتی که دارم (از جمله خودم) (این را نیز می دانم که هر مشکل مجالی است در جامه مبدل ، و این هوشیاری در برابر مجالها به من اجازه می دهد تا این لحظه را به موهبتی عظیمتر متحول کنیم .

- امروز آگاهییم در عدم تدافع استقرارخواهد یافت . نیاز به دفاع از نقطه نظرم را رها خواهم کرد . نیازی احساس نخواهم کرد تا دیگران را مجاب یا ترغیب کنم که نقطه نظرم را بپذیرند . در برابر همه نقطه نظرها گشوده خواهم ماند و سرسختانه به یکی از آنها نخواهم چسبید .

• قانون قصد و آرزو

در هر قصد و آرزویی مکانیسم توفیق و تجلی آن نهفته است... قصد و آرزو در حیطه توانایی مطلق دارای قدرت نظام دهنده نامحدود است و هنگامی که در خاک حاصلخیز توانایی مطلق قصدی را درافکنیم، این قدرت نظام دهنده نامحدود را برای خود به کار و امی داریم.

پنجمین قانون معنوی موفقیت، قانون قصد و آرزو است. این قانون مبتنی بر این واقعیت است که در هر نقطه طبیعت، انرژی و اطلاعات وجود دارد. در واقع در سطح حیطه کوانتوم هیچ چیز جز انرژی و اطلاعات وجود ندارد. کوچکترین جزء متشکله یک گل یا رنگین کمانیا درخت یا ساقه یا جسم انسان، انرژی و اطلاعات است. طبیعت بنیادی کل کائنات، حرکت انرژی و اطلاعات است. تنها تفاوت میان شما و درخت، محتوای اطلاعاتی و انرژی جسم نسبی شماست. همه چیز تشکیل شده از کربن، هیدروژن، اکسیژن و نیتروژن و سایر عناصر به مقادیر بینهایت اندک، اما همه ایها یک چیزند و به همین دلیل فرزندان باستان ندا در دادند ((من آنم، توانی، همه آن است و جز آن نیست ((جسمتان از کائنات جدا نیست، زیرا در سطوح مکانیکی کوانتومی، لبه‌ی‌ها مشخصی وجود ندارند. نه تنها سلسله اعصاب انسان می‌تواند از اطلاعات و انرژی حیطه کوانتومی خویش آگاه شود بلکه می‌توانید آگاهانه محتوای اطلاعاتی را که موجب استعلا‌ی جسم فیزیکی شما می‌شود تغییر دهید. این دگرگونی آگاهانه توسط دو ویژگی که جز لاینفک آگاهی است صورت می‌گیرد: توجه و قصد.

توجه:

نیرو می‌بخشد. قصد متحول می‌سازد. به هر چه توجه خود را معطوف کنید در زندگیتان نیرومندتر می‌شود. هر آنچه که توجه خود را به آن معطوف نکنید محو و متلاشی و ناپدید می‌شود. حال آنکه قصد موجب تحول انرژی و اطلاعات می‌شود. قصد توفیق خود را نظام می‌بخشد. کیفیت قصد در مورد موضوع توجه در بیکرانگی زمان و مکان موجب هم‌نوایی رویدادهایی می‌شود تا نتیجه منظور را پدید آورد، مشروط به اینکه شخص سایر قوانین معنوی موفقیت را دنبال کند. این بدان دلیل است که قصد در خاک حاصلخیز توجه دارای قدرت نظام‌دهنده نامحدود است. قدرت نظام دهنده نامحدود یعنی نظام دادن به رویدادها در بیکرانگی زمان و مکان و تماماً هم‌زمان. در طبیعت همه چیز به همه چیزهای دیگر هم‌بسته و متصل است. شما می‌توانید از طریق قصد آگاهانه به این قدرت نظام دهنده نامحدود فرمان دهید در واقع مادامی که از سایر قوانین طبیعت تخلف نرزید عملاً از طریق قصدتان می‌توانید به قوانین طبیعت فرمان دهید تا رویاها و آرزوهایتان را بر آورد.

قصد :

قدرت راستین پس آرزوست . قصد به تنهایی بسیار قدرتمند است زیرا قصد آرزوی بدون دلبستگی به ثمره است . آرزو به تنهایی سست است زیرا در اکثر مردم آرزو همراه با دلبستگی است . قصد آمیخته با عدم دلبستگی ، به تمرکز بر حیات و هوشیاری از لحظه حال می انجامد و هنگامی که عمل با هوشیاری از لحظه حال انجام پذیرد بسیار موثر قرار می گیرد .

قصدتان برای آینده است ، ام توجهتان در زمان حال است . مادامی که توجهتان در زمان حال باشد ، قصدتان برای آینده متجلی خواهد شد زیرا آینده در حال آفریده می شود ، حال را بپذیرید و آینده را قصد کنید و هرگز نباید بر ضد حال بستیزید . اگر صاحب هشیاری متمرکز بر حیات و صاحب هشیاری از لحظه حال باشید آنگاه موانع خیالی (بیش از نود نه درصد از موانع غیر خیالی اند (متلاشی و ناپدید می شوند . ما بقی پنج تا ده درصد از موانع خیالی نیز می توانند از طریق قصد متمرکز و تک بین به مجالها تبدیل شوند . قصد تک بین یعنی اینکه توجهتان را با چنان هدف تزلزل ناپذیری به حاصل قصد شدهتان معطوف کنید که مطلقاً اجزه ندهید موانع کیفیت متمرکز توجهتان را از بین ببرند و متلاشی کنند . این یعنی بیرون افکندن کامل و تمام عیار هر گونه مانع از آگاهیتان . بیاموزید قدرت قصدتان را در اختیار بگیرید . تا بتوانید هر آنچه را که خواهانید بیافرینید .

در اجرای قانون قصد و آرزو باید پنج گام برداشت :

گام اول : در آن فاصله و فضا (منظور تجربه سکوت ژرفی است که به هنگام مراقبه پیش می آید) بلغزد . این بدان معناست که خود را در آن فاصله سکوت میان اندیشه ها متمرکز کنید و در سکوت فروروید . در آن سطح از هستی که جوهر وجودتان است .

گام دوم : پس از استقرار در آ «سطح از هستی ، قصدها و آرزوهایتان را رها کنید . وقتی که واقعاً در آن فاصله و فضا هستید اندیشه و قصدی وجود دارد - اما وقتی که از آن فضا و فاصله بیرون می آیید ، در فاصله میان فضا و اندیشه - قصدتان را در افکنید . اگر رشته یی از هدفها را در سر دارید ، می توانید آنها را متمرکز سازید . قصد پیشاپیش به صورت لرزش کمرنگی در آگاهیتان وجود خواهد داشت . رها ساختن قصدها و آرزوهایتان در آنفاصله و فضا به معنای کاشتن آنها در خاک حاصلخیز حیطه توانایی مطلق و انتظار شکوفایی آنها در فصل درست خواهد بود .

گام سوم: در حال رجوع به خیشتن بمانید. این بدان معناست که در آگاهی از ضمیر راستین خود - جان و اتصالاتان با حیطة توانایی مطلق - استقرار یابید. همچنین به این معناست که از چشم جهان به خود ننگرید. به خودتان اجازه ندهید که تحت تاثیر عقاید و انتقادهای دیگران قرارگیرد. یکی از راههایی که به حفظ آن حال رجوع به خویشتن کمک می کند این است که آرزوهایتان را برای خود نگاه دارید. درباره آنها با احدی سخن نگوئید مگر اینکه آنها هم دقیقاً صاحب آرزوها بخودتان باشند و با شما پیوند نزدیک داشته باشید.

گام چهارم: از دلبستگی به نتیجه دست بکشید. این امر یعنی رها کردن دلبستگی سرسختانه به ثمره یی ویژه و زیستن در حکمت عدم یقین. این امر یعنی کامجویی از هر لحظه از سفر زندگی، حتی اگر از ثمره اش بی خبر باشید.

گام پنجم: بگذارید کائنات به جزئیات امر بپردازد. هر گاه قصدها و آرزوهایتان در آن فاصله و فضا رها شوند، دارای قدرت نظام دهنده نامحدودند. به قدرت نظام دهنده نامحدود قصد اعتماد کنید تا همه جزئیات را برایتان همنا سازد. به خاطر آورید که طبیعت راستین شما، جان مطلق است.

کاربردهای قانونقصد و آرزو:

با خود عهد می بندم با دنبال کردن گامهای زیر، قانون قصد و آرزو را به عمل در خواهم آورد.

- فهرستی از آرزوهایم تهیه خواهم کرد. این فهرست را به هر کجا که برو خواهم برد. پیش از سکوت و مراقبه ام به این فهرست نگاه خواهم کرد. پیش از خواب شبانه ام به فهرستم خواهم نگریم. صبح به محض بیدار شدن از خواب به آن نگاه خواهم کرد.

- فهرست آرزوهایم را رها خواهم کرد و به زهدان آفرینش خواهم سپرد. یقین دارم هنگامی که چنین به نظر می رسد که امور به راه خود نمی روند، دلیلی دارد و مشیت کیهانی برایم طراحیهای بسیار عظیمتر از آنچه تصور می کردم در نظر دارد.

- به هنگام همه اعمالم به خاطر خود خواهم آورد تا هوشیاری از لحظه حال را تمرین کنم. اجازه نخواهم داد موانع، کیفیت توجهم در لحظه حال را از بین ببرند و متلاشی کنند. اکنون را همان گونه که هست خواهم پذیرفت و از طریق ژرفترین و ارجمندترین قصدها و آرزوهایم آینده را متجلی خواهم ساخت.

• قانون عدم دلبستگی :

در عدم دلبستگی حکمت عدم یقین نهفته است .

در حکمت عدم یقین رهایی از گذشته و شناخت شده نهفته است که زندان شرطی شدن در گذشته است و در اشتیاقمان به گام نهادن در ناشناخته -حیطه تمامی امکانات -خود را به ذهن خلاق می سپریم که هر آهنگ کائنات را همنا می سازد .

ششمین قانون معنوی موفقیت ، قانون عدم دلبستگی است . قانون عدم دلبستگی می گوید که برای حصول هر چیز در عالم مادی ، باید از دلبستگی خود به آن دست بکشید . این بدان معنا نیست که از قصد آفرینش آرزویتان دست می کشید . از قصد و آرزویتان دست نمی کشید از دلبستگی به ثمره آن دست می کشید . لحظه که دلبستگی به ثمر را رها می کنید به طور همزمان قصد تک بین را به عدم دلبستگی می آمیزید . صاحب آنی خواهید شد که آرزومندید زیرا عدم دلبستگی مبتنی بر اعتقاد بی تردید به قدرت ضمیر راستین خودتان است و دلبستگی مبتنی بر ترس و عدم امنیت است و نیاز به امنیت مبتنی بر عدم شناخت ضمیر راستین است . منشاء ثروت و فراوانی یا هر چیز در عالم مادی ، ضمیر است . این معرفت است که می داند چگونه هر نیاز را بر آورد . هر چه دیگر -تومبیل و خانه و چک بانکی و لباس و هواپیما -یک نماد و مظهر است و مظاهر موقتی اند می آیند و می روند . اضطراب می آفریند و در وجودتان احساس خالی بودن می کنید . زیرا ضمیر راستین خود را با مظاهر آن معاوضه کرده اید .

دلبستگی زاییده آگاهی از فقر است زیرا دلبستگی همواره از پی مظاهر می رود . عدم دلبستگی مترادف آگاهی از ثروت است ، زیرا عدم دلبستگی آزادی آفرینش را به همراه دارد . فقط با نداشتن دلبستگی می توان شادی و خنده داشت . آنگاه مظهر ثروت نیز به طور خود انگیزه و بی تکاپو ایجاد می شود . آگاهی از ثروت راستین توانایی تملک هر چیز است در هر زمان که می خواهید و بدون تکاپو .

مردم مدام بدنبال امنیت هستند و به نتیجه آن دلبستگی دارند ولی هیچ گاه دارای امنیت نمی شوند . در سنت حکمت باستان راه حل این معما در حکمت عدم امنیت یا حکمت عدم یقین نهفته است این بدان معناست که جستجوی امنیت و قطعیت عملاً دلبستگی به شناخته است و شناخته گذشته ماست . شناخته چیزی نیست جز زندان شرطی شدن گذشته و در آن هیچ تکاملی نیست و هر گاه هیچ تکاملی نباشد رکود و انتروپی و بی نظمی و فساد هست . حال آنکه عدم یقین ، خاک حاصلخیز خلاقیت و آزادی مطلق است . عدم یقین یعنی گام نهادن در ناشناخته در هر لحظه از وجودمان . ناشناخته حیطه تمامی امکانات است و همواره پر طراوت و تازه و

همواره گشوده در برابر آفرینش تجلیات تازه بدون عدم یقین و ناشناخته . زندگی فقط تکرار کسالت بار خاطره های فرسوده است . قربانی گذشته می شوید ، و عذاب دهنده امروزتان ، ته مانده خود دیروزتان است . دلبستگی به شناخته را رها کنید و به ناشناخته گام نهید تا به حیطه تمامی امکانات گام بگذارید .

این بدان معناست که در هر لحظه از زندگیتان صاحب هیجان و ماجرا و رمز و راز خواهید بود . شادمانی زندگی را تجربه خواهید کرد ، چشن و جادو وجد و طرب جانتان را . اگر آرمان بسیار روشنی داشته باشید که چه پیش خواهد آمد و سر سخنانه به آن دلبسته باشید ، دروازه امکانات را به روی خود خواهید بست . یکی از ویژگیهای حیطه تمامی امکانات ، همبستگی نامحدود است . وقتی که به قصدتان دل نبسته اید سیلان و خلاقیت و خود انگیختگی را که جزء لاینفک این حیطه است را به دست می آورید و اگر دلبستگی داشته باشید آرزویتان را در چهار چوبی خشک منجمد می سازید که در کل فرآیند آفرینش مداخله می کند . قانون عدم دلبستگی با قانون قصد و آرزو منافات ندارد . قانون عدم دلبستگی کل فرایند تکامل را سرعت می بخشد . وقتی راه حلها را به مشکلات تحمیل می کنید ، فقط مشکلات تازه ایجاد خواهید کرد . اما وقتی توجهتان را به عدم یقین معطوف می کنید امیدوارانه منتظر می شوید تا از میان اغتشاش و آشفتگی راه حل شکوفا شود و آن چیزی بی همتا و هیجان انگیز خواهد بود . این عمل باعث می شود تا شما مجال را دریابید . مجال در هر مشکلی که در زندگی دارید نهفته است و هر مجال بذر موهبتی عظیمتر است . می توانید به هر مشکلی که در زندگیتان دارید به صورت مجالی برای موهبتی عظیمتر بنگرید . می توانید با استقرار در حکمت عدم یقین هشیار به جا مانید . هر گاه آماده بودنتان مجال را دریابد ، راه حل خود به خود پدیدار خواهد شد که خوش اقبالی می گویند . و خوش اقبالی چیزی نیست جز پیوند آمادگیتان با مجال هر گاه این دو با نظاره هشیارانه و اغتشاش به هم آمیزند ، راه حلی پدیدار خواهد شد که برای همه کسانی که در تماس هستید بهترین خواهد بود .

کاربرد قانون عدم دلبستگی:

با خود عهد می بندم با دنبال کردن گامهای زیر قانون عدم دلبستگی را به عمل در خواهم آورد

- عهد می بندم که امروز عدم دلبستگی را به کار بندم به خودم و اطرافیانم این آزادی را خواهم داد که همان گونه که هستند باشند . عقیده ام را در هیچ موردی به دیگران تحمیل نخواهم کرد . راه حلها را بر مشکلات تحمیل نخواهم کرد ، تا از این طریق مشکلات تازه ایجاد کنم . با عدم دلبستگی در همه امور مشارکت خواهم جست .

- امروز عدم یقین را به صورت بخشی بنیادی از زندگییم به کار خواهیم گرفت . به دلیل اشتیاقم برای پذیرش عدم یقین ، راه حلها خود به خود از دل مشکل -از دل آشفتگی و بی نظمی و اغتشاش بر می خیزند و پدیدار می شوند . هر چه امور نامطمئن تر به نظر برسند احساس امنیت بیشتری خواهیم کرد زیرا عدم یقین راه من به سوی آزادی است . از طریق حکمت عدم یقین ، امنیت خود را خواهیم یافت .
- به حیطة تمامی امکانات گام خواهیم نهاد و هیجانی را انتظار خواهیم کشید که وقتی در برابر بیکرانگی انتخابها گوشوده بمانم می توانند رخ دهند . وقتی به حیطة تمامی امکانات گام بگذارم ، شادی و ماجرا و افسون و رمزو راز زندگی را تجربه خواهیم کرد .

- قانون دارما یا غایت حیات :

هر کس در زندگی غایتی دارد ... موهبتی بی همتا یا استعدادی ویژه تا آن را به دیگران هدیه کند و هنگامی که این استعداد بی همتا را با خدمت به دیگران بیاموزیم ، وجد و طرب جانمان را تجربه می کنیم که هدف نهایی همه هدفهاست .

هفتمین قانون معنوی موفقیت قانون دارما است . دارما به زبان سانسکریت یعنی غایت حیات قانون دارما می گوید برای به انجام رساندن هدفی در قالب جسمانی متجلی شده ایم . بر طبق این قانون صاحب استعدادی بی همتا یید و به شیوه بی بی همتا آن را بیان و عیان می کنید . کاری هست که بهتر از هر کس دیگر در این جهان می توانید آن را انجام دهید و برای آن نیز نیازهای بی همتا وجود دارند . وقتی این نیازها با بیان خلاق استعدادتان مطابقت کنند ، جرقه ای است که فراوانی می آفریند . بیان استعدادهایتان برای برآوردن نیازها، ثروت بیکران و فراوانی نا محدود می آفریند . این را نیز به فرزندان بیاموزید . به فرزندان خود بیاموزید که مراقبه را یاد بگیرند و از همتن کودکی به آنها یاد دهید تا استعداد شان را خودشان بدست آورند از آنها بخواهید که نگران هزینه ها و امرار معاششان نباشند و از خود بپرسند که چگونه می توانند به بشریت خدمت کنند و چه استعدادهای یکتایی دارند زیرا استعدادهای بی همتای دارند که هیچ کس دیگری صاحب آن نیست .

- قانون دارما سه جزء دارد :

- هر یک از ما اینجاییم تا ضمیر راستین خوش را کشف کنیم و خودمان دریابیم که ضمیر راستین ما معنوی است و در قالب جسمانی متجلی شده ایم ، موجوداتی معنوی هستیم که گهگاه تجربه هایی انسانی داریم . ما خودمان باید دریابیم که خدای درونمان می خواهد زاییده شود تا بتوانیم الوهیت و جودمان را بیان و عیان کنیم .

- نمایان ساختن استعدادهای یکتای ماست . قانون دارما می گوید که هر انسان دارای استعدادی بی همتا است . آنقدر یکتا که هیچ موجود زنده دیگری در این سیاره صاحب آن نیست و این استعداد در بیشتر مواقع از یک مورد استو با بیان و عیان کردنش شما را به آگاهی بی زمان می برد .

- خدمت به بشریت خدمت به هموعان و پرسیدن این سوال از خود که چگونه می توانم کمک کنم ؟ چگونه می توانم به همه کسانی که با من تماس می یابند کمک کنم ؟ وقتی توانایی بیان استعداد یکتای خود را

با خدمت به بشریت می آمیزید آنگاه قانون دارما را به طور کامل به اجرا در می آورید و آنگاه به فراوانی نامحدود دست می یابید زیرا راه راستین دستیابی به فراوانی همین است و این فراوانی گذار نیست بلکه پایدار است . این سوال که این کار برای من چه منفعتی دارد ؟ گفتگوی درونی ((من)) (است و پرسیدن اینکه چگونه می توانم کمک کنم ؟ گفتگوی درونی جان است و جان آن عرصه از آگاهی‌تان است که جهان بودنتان را تجربه می کنید . وقتی از خود می پرسید که چگونه می توانم کمک کنم ؟ خود به خود از من فرا می روید و به عرصه جان گام می نهید . با اینکه مراقبه سودمندترین راه ورود به عرصه جان است ولی با این سوال نیز به عرصه جان وارد میشوید .

اگر می خواهید قانون دارما بیشترین بهر را ببرید باید با خود چند عهد ببندید :

نخستین عهد : از طریق تمرین معنوی ، ضمیر برترم را - که فراسوی ((من)) (منست - جستجو خواهم کرد .
دومین عهد : استعدادهای بی همتایم را کشف خواهم کرد ، و از یافتن استعدادهای بی همتایم محظوظ خواهم شد زیرا فرایند کامرایی زمانی پیش می آید که در آگاهی بی زمان باشم . این زمانی است که در حال بهجت و سرورم .

سومین عهد : از خود خواهم پرسید چگونه توانست به بهترین نحو به بشریت خدمت کنم ؟ به این سوال پاسخ خواهم داد و آنگاه آن را به اجرا در خواهم آورد . از استعدادهای بی همتایم سود خواهم جست تا به نیازهای هموعانم خدمت کنم . آن نیازها را با آرزوی خدمتم و کمک به دیگران مطابقت خواهم داد . از خود بپرسید که اگر همه وقت و پول جهان از آن شما بود چه می کردید ؟ آیا به همان کاری می پرداختید که هم اکنون به آن سر گرمید ؟ و اگر چنین است شما آنگاه از خود بپرسید چگونه می توانم به بهترین نحو به بشریت خدمت کنم ؟ به آن پاسخ دهید و آن را به اجرا در آورید . وقتی شیوه بیان های خلاقان با نیازهای هموعانتان مطابقت کند ، آنگاه ثروت به طور خود انگیخته از نا متجلی به متجلی - از ساحت جان به جهان صورت جریان می یابد آنگاه زندگیتان را به صورت بیان سحر آسای الوهیت - آن هم نه به صورت گاه به گاه بلکه تمام مدت تجربه خواهید کرد و معنای شادمانی راستین و موفقیت راستین وجدو طرب جانتان را در خواهید یافت .

کاربرد قانون دارما یا غایت حیات :

با خود عهد می بندم با دنبال کردن گامهای زیر ، قانون دارما را به عمل در خواهم آورد .

- امروز با مهر و محبت خدایی را که در ژرفای روحم نهفته است خواهم پروراند . بهجان درونم که هم به جسم و هم به ذهنم روح می بخشد توجه خواهم کرد . خود را به روی سکون ژرف قلبم بیدار خواهم کرد . آگاهی به زمان و هستی جاودانه میان وجود محدود به زمان را با خود همراه خواهم داشت .
- از استعداد های یکتای خود فهرستی تهیه خواهم کرد آنگاه همه آنچه را که دوست دارم انجام خواهم داد و به هنگام بیان و کار برد استعدادهای بی همتایم در راه خدمت به بشریت گذشت زمان را از یاد خواهم برد و در زندگی خودم و دیگران فراوانی به وجود خواهم آورد .
- هر روز از خود خواهم پرسید : چگونه می توانم خدمت کنم ؟ چگونه می توانم کمک کنم ؟ پاسخ به این سوالها به من اجازه خواهد داد تا با عشق به هموعانم خدمت کنم .